

Contemporary Islamic law Debate

Vol.2, No.4, Autumn & Winter 2025, 31-58

The Legal Discourse of Islamic Teachings in Creating the Capacity for Criminalization of Terrorist Offenses for Iran's Criminal Policy through the Prohibition (*Haram-Angari*) of *Moharebeh* and *Efsad fi al-Ardh*

Peyman Namamian¹

(Received on: 2024-08-18; Accepted on: 2024-10-14)

Abstract

In Iran's criminal policy, the concepts of *Moharebeh* (waging war against God) and *Efsad fi al-Ardh* (corruption on Earth) are utilized as legal tools to counter terrorist threats and security crimes. Such opinions are especially pertinent when serious risks to social order and public safety are concerned. Islamic teachings, accordingly, pay great regard to the necessity of employing forceful response to threats to community security.

However, the complexities involved in criminal offenses and the innovations in terrorism have posed great challenges to the administration of justice in Iran. In that sense, it seems that existing laws and regulations would need to be revised to correspond with contemporary terrorist threats. The goal of this research is to assess the effectiveness of Iran's current laws in addressing contemporary terrorist threats and to examine the need for reform and modernization of the concepts of *Moharebeh* and *Efsad fi al-Ardh*. Furthermore, this study offers a jurisprudential (Fiqhi) analysis of these two concepts and provides suggestions for improving and updating these laws by comparing Iranian legislation with global threats.

The findings resulting from this analytical and descriptive research method indicate that Iran's existing laws are ineffective in confronting contemporary terrorist threats, particularly in the contexts of *Moharebeh* and *Efsad fi al-Ardh*. The need to update these laws is made clear by the complexity of new terrorist offenses and world events. The teachings of Islam show that the interpretations in existence are not able to deal with new threats like cybercrimes and transnational terrorism. It is thus recommended to revisit the definitions and applications of these concepts so that there is better coordination with existing international legal frameworks.

Keywords: Terrorist Offenses, *Moharebeh* and *Efsad fi al-Ardh*, Legal Discourse of Islamic Teachings, Iran's Criminal Policy.

1. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. p_namamian1512@yahoo.com

گفتمان حقوقی آموزه‌های اسلام در ایجاد ظرفیت جرم‌انگاری بزهکاری‌های تروریستی برای سیاست جنایی ایران از طریق حرام‌انگاری محاربه و افساد فی الارض

پیمان نامامیان^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳)

چکیده

در سیاست جنایی ایران، مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» در جایگاه ابزارهایی قانونی برای مقابله با تهدیدهای تروریستی و جرایم امنیتی به کار می‌روند. این مفاهیم به‌ویژه در مواجهه با تهدیدهای عمده علیه امنیت عمومی و نظم اجتماعی کاربرد دارند. آموزه‌های اسلامی بر لزوم واکنش قاطع به تهدیدات علیه امنیت جامعه تأکید می‌کنند؛ با این حال، پیچیدگی‌های جرایم تروریستی و تحولات جهانی در زمینه تروریسم، نظام کیفری ایران را با چالش‌های درخور توجهی روبرو کرده است. بر این اساس، بازنگری در قوانین و مقررات موجود به منظور هماهنگی با تهدیدات جدید تروریستی امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف این تحقیق، سنجش کارایی قوانین فعلی ایران در برای تهدیدات تروریستی معاصر و بررسی نیاز به اصلاح و روزآمدی مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» است. این پژوهش همچنین به تحلیل فقهی این دو مفهوم می‌پردازد و با مقایسه قوانین ایران و تهدیدات جهانی، پیشنهادهایی برای بهبود و روزآمدی این قوانین ارائه می‌دهد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهشی با بهره‌گیری از روش پژوهش تحلیلی و توصیفی نشان می‌دهد قوانین موجود در ایران در مواجهه با تهدیدات تروریستی معاصر به‌ویژه در زمینه‌های «محاربه» و «افساد فی الارض»، کارآمد نیستند. پیچیدگی جرایم تروریستی جدید و تحولات جهانی، ضرورت بازنگری این قوانین را هویدا می‌کند. البته تحلیل آموزه‌های اسلامی مؤید این است که تفسیرهای کنونی قادر به مقابله با تهدیدات جدید مانند تروریسم فراملی و جرایم سایبری نیستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تعاریف و گستره این مفاهیم روزآمد شود و هماهنگی با نظام‌های حقوقی بین‌المللی تقویت گردد.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری تروریستی، محاربه و افساد فی الارض، گفتمان حقوقی آموزه‌های اسلام، سیاست جنایی ایران.

۱. دکترای تخصصی، دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران
p_namamian1512@yahoo.com

مقدمه

بزهکاری تروریستی در سال‌های اخیر به یکی از مسائل پیچیده و مهم حقوقی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که توجه فراوانی از سوی نهادهای حقوق بشری و اسناد بین‌المللی به خود جلب کرده است. بسیاری از کشورها این نوع جرایم را آشکارا جرم‌انگاری کرده‌اند و می‌کوشند از تأمین مالی و گسترش آن پیشگیری کنند. تاریخچه این پدیده نشان می‌دهد فعالیت‌های تروریستی آثار شدیدی بر امنیت ملی کشورها دارد؛ همان‌طور که حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده پیامدهای گسترده‌ای را به دنبال داشت. آثار اجتماعی این نوع بزهکاری شامل گسترش احساس ترس و ناامنی در جامعه، تغییرات در هنجارها و روابط اجتماعی و بروز مشکلات روانی چون اضطراب و افسردگی در افراد است. این جرایم از منظر اقتصادی می‌توانند به زیرساخت‌های حیاتی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و کاهش چشمگیر صنعت گردشگری منجر شوند. بزهکاری تروریستی در ابعاد سیاسی می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی، تشدید اقدامات امنیتی، نقض حقوق بشر و آثار منفی بر روابط بین‌المللی منجر گردد. بنابراین بزهکاری تروریستی تهدیدی جدی برای امنیت ملی و جهانی شناخته می‌شود که ممکن است بحران‌هایی گسترده و پیش‌بینی‌ناپذیر در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشد. به همین دلیل در سیاست جنایی ایران و با توجه به آموزه‌های اسلامی، مفاهیم فقهی مانند «محاربه» و «افساد فی الارض» می‌تواند مبنای جرم‌انگاری این نوع جرایم و مقابله مؤثر با تهدیدات تروریستی قرار گیرد.

تروریسم به دلیل پیچیدگی و نبود یک تعریف مشترک، همواره یکی از مسائل چالش‌برانگیز در حقوق بین‌الملل بوده است. تعریف دقیق و جهانی از تروریسم می‌تواند به بهبود همکاری‌های بین‌المللی و افزایش اثربخشی اقدامات مقابله با آن کمک کند. تروریسم به طور کلی به اقدامات خشونت‌آمیز یا تهدیدآمیزی اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد ترس عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی است و معمولاً بر غیرنظامیان یا زیرساخت‌های حیاتی متمرکز می‌شود. برای مقابله با این پدیده، نیاز به تدوین تعریف مشترک جهانی، هماهنگی قوانین ملی با استانداردهای بین‌المللی و تقویت همکاری‌های اطلاعاتی

بین کشورهاست. همچنین تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی ویژه و اعمال مجازات‌های مؤثر می‌تواند به گسترش عدالت و مقابله مؤثر با تروریسم در سطح جهانی کمک کند. دایرة‌المعارف بریتانیکا تروریسم را «استفاده سازمان‌یافته از خشونت علیه حکومت‌ها یا مردم به منظور دستیابی به اهداف سیاسی»^۱ تعریف کرده است.^۲

سیاست جنایی ایران در خصوص بزهکاری‌های تروریستی با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از قوانین و اقدامات اجرایی طراحی و در دو سطح داخلی و بین‌المللی پیاده‌سازی می‌شود. این سیاست‌ها به ابعاد پیشگیری، مقابله و کیفر توجه خاص دارند. بر این اساس، قانون‌گذار ایران با تصویب مقرراتی همچون ماده ۲۷۹ «قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲» و «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۳۹۴»، اقدام به جرم‌انگاری و مجازات مرتکبان بزهکاری‌های تروریستی کرده است. در نتیجه سیاست جنایی ایران در مقابله با تروریسم ترکیبی از اقدامات قانونی، امنیتی، اطلاعاتی و بین‌المللی است که هدف آن حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدات تروریستی در سطوح مختلف است؛ سیاست جنایی ایران در مقابله با بزهکاری تروریستی، افزون بر جنبه‌های قانونی و اجرایی، بر مبنای مفاهیم فقهی مانند «محاربه» و «افساد فی‌الارض» نیز استوار است. بر اساس ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، محاربه به کشیدن سلاح به قصد تهدید جان، مال یا ناموس مردم و ایجاد ناامنی در جامعه اطلاق می‌شود. بزهکاران تروریستی که از خشونت برای اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک استفاده می‌کنند، مشمول این جرم می‌شوند. مجازات محاربه می‌تواند شامل اعدام، قطع اعضای بدن یا تبعید باشد. این مفاهیم در مقابله با تهدیدات تروریستی و حفظ امنیت عمومی کاربرد دارند؛ به‌ویژه زمانی که بزهکاران تروریستی به گسترده‌گی جامعه، نظم عمومی و امنیت ملی را تهدید کنند. با این حال در مواردی که تشخیص دقیق «تروریسم» و تمایز آن از «مبارزات مشروع» دشوار باشد، چالش‌هایی در تفسیر و اجرای این مفاهیم ایجاد می‌شود. بنابراین سیاست جنایی ایران در مقابله با بزهکاری‌های تروریستی، با اتکا

به مفاهیم فقهی نظیر محاربه و افساد فی الارض، ابزارهای قانونی و اجرایی مؤثری برای مقابله با تهدیدات تروریستی فراهم می‌آورد. این سیاست‌ها در چارچوب قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی به طور مؤثر اجرا می‌شود، هرچند در برخی موارد چالش‌هایی در تفسیر و اعمال دقیق این مفاهیم به وجود می‌آید.

در تطابق مفاهیم تروریسم با اصول اسلامی مانند محاربه و افساد فی الارض، اختلاف‌های مفهومی و چالش‌های حقوقی درخور توجهی وجود دارد. محاربه در فقه اسلامی به معنای مقابله با خداوند و ایجاد فساد در زمین است؛ در حالی که تروریسم به اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آنها ایجاد وحشت و ترس در میان غیرنظامیان است. این دو مفهوم لزوماً هم‌پوشانی ندارند. در مقررات کیفری ایران، وجوه افتراق در تفسیر فقهی ممکن است موجب دشواری در انطباق کامل رفتارهای تروریستی با مفاهیم اسلامی شود. افزون بر این، قوانین داخلی ایران ممکن است با استانداردهای بین‌المللی در زمینه تروریسم تطابق نداشته باشند؛ چراکه تروریسم در سطح بین‌المللی، جرم شناخته شده است و مفاهیم مرتبط با آن در اسناد جهانی با تفاسیر فقهی ایران ممکن است تفاوت داشته باشد. با این وجود، تلاش‌ها برای تطبیق قوانین داخلی با الزامات بین‌المللی و همکاری با جامعه جهانی در زمینه حقوق بشر به کاهش شکاف‌های تفسیر و تقویت نظام حقوقی کمک کرده است. در نهایت، تفاوت‌های مفهومی و رویکردهای حقوقی میان ایران و اسناد بین‌المللی تروریسم، نیازمند بازنگری در قوانین داخلی و پذیرش استانداردهای جهانی برای هم‌راستاسازی مفاهیم است.

محاربه به لحاظ وجود مبانی و موازین فقهی علی‌القاعده تحت شمول جرم‌انگاری و کیفرگذاری حدی قرار دارد؛ اما بزه‌کاری‌های تروریستی به لحاظ وجود مصادیق آن به طور اساسی در زمره جرایم کیفرهای تعزیری قرار می‌گیرد؛ چراکه به صرف وجود مصادیقی که قانون‌گذار در منابع اسلامی بدان‌ها دست پیدا نموده است، نمی‌توان مبانی کیفرگذاری

را تغییر داد.^۳ از این رو به نظر می‌رسد صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم تروریستی گسترش یابد؛ به گونه‌ای که این دادگاه‌ها تنها به جرایمی که اتباع ایرانی مرتکب می‌شوند یا در قلمرو سرزمینی ایران رخ می‌دهند، محدود نباشند، بلکه بتوانند به جرایم تروریستی فراملی و بین‌المللی نیز رسیدگی کنند. در راستای این هدف، قانون‌گذار باید صلاحیت قضایی را به طور جامع بازنگری کند و آن را به گونه‌ای اصلاح نماید که دادگاه‌های ایران قادر به رسیدگی به جرایمی باشند که خارج از مرزهای کشور انجام می‌شوند. این اقدام می‌تواند به تقویت همکاری‌های جهانی در مبارزه با تروریسم و مقابله با تهدیدات فراملی کمک کند. در خصوص شناسایی برخی مصادیق بزهکاری‌های تروریستی و کیفرگذاری آن در چارچوب محارب می‌توان به مواد ۴۹۸، ۵۰۴ و ۵۰۸ از قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مراجعه کرد که نوع نگاه قانون‌گذار تنها به عدم احراز محاربه و کیفر محارب اطلاق شده است، بدون آنکه اساساً محارب را در گام نخست تحت شناسایی در چارچوب مواد مقرر قرار دهد.

این مقاله به بررسی مفاهیم بنیادی «محاربه» و «افساد فی الارض» در سیاست جنایی تقنینی ایران و چالش‌های آن در مقابله با بزهکاری‌های تروریستی می‌پردازد. قانون‌گذار در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، تعبیری از محاربه ارائه می‌دهد که مبتنی بر عبارت فقهی «لاخافه الناس» است و این تفسیر در ماده ۲۸۶ به شکلی دیگر منعکس شده است. با وجود اینکه ماده ۲۸۲ مجازات محاربه را تعیین کرده است، اما در ماده ۲۸۶ نوعی رویکرد متفاوت مشاهده می‌شود که با وجود مشخص بودن کیفر برای برخی جرایم، تطبیق صحیح این جرایم با کیفرهای مرتبط، موفقیت‌آمیز نبوده است. این مسئله به‌ویژه در مورد جرایم حدی و تعزیری که در این ماده ذکر شده‌اند، بارزتر است و توجه کافی به تفاوت‌های ماهوی و اجرایی آنها نشده است. هدف این پژوهش، بررسی چالش‌ها و تهدیدهایی است که بزهکاری تروریستی می‌تواند در سطح بین‌المللی ایجاد کند و تأثیر آن را بر نقض صلح و امنیت بین‌المللی تحلیل می‌کند. همچنین مؤلفه‌ها و معیارهایی که قانون‌گذار ایران در تنظیم رویکرد حقوقی خود برای مقابله

با این بزهکاری‌ها بر اساس چارچوب فقهی به آن‌ها توجه داشته است، ارزیابی می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی و فیش‌برداری از دیدگاه‌های صاحب‌نظران حقوقی انجام شده است.

۱. پیشینه و تحولات تقنینی؛ چالش‌ها و راهبردهای مقابله با بزهکاری‌های تروریستی

با وجود تغییر نیافتن بزهکاری تروریستی طی صد سال گذشته، در ربع قرن اخیر نیز کمابیش تغییری نیافته است؛ (Merari, 1999, p 54) به همین دلیل همچنان تعریف عام و کاملی از این پدیده وجود ندارد. این وضعیت با وجود گسترش دایره بزهکاری تروریستی معاصر و اهمیت آن برای امنیت بین‌المللی و ضرورت برخورد همه‌جانبه با آن، تعریف این واژه همچنان با ابهام روبروست. یکی از دلایل عمده این ابهام، تنوع مصادیق، گوناگونی اهداف خاستگاه‌ها و در نهایت «تعدد اشکال آن» است (Paletz and Schmid, 1992, p 1)؛ اما با وجود این همه تلاش، تعریف جهانی قابل قبولی برای بزهکاری تروریستی غیرممکن است؛ زیرا فردی که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود، از نظر دیگری همیشه مبارز راه آزادی است.

در راستای مقابله با بزهکاری‌های تروریستی طی دهه‌های اخیر، با اینکه رویکردهای حاکم در جامعه جهانی برای پیشگیری و مقابله با گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز کفایت لازم را ندارند، اما رویکرد مبارزه با چنین جرایمی به طور عمده مبتنی بر پاسخ‌های امنیتی متمرکز بوده است؛ به همین دلیل رویکردهای موفق پیشگیری و مقابله با گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز باید از سوی حقوق بشر و حاکمیت قانون در جوامع متأثر از تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز حمایت شود.^۴ البته می‌توان اذعان داشت جنبش‌های افراطی نظیر داعش، بوکوحرام و... به بی‌ثباتی و درگیری‌های خشونت‌آمیز دامن می‌زنند و اغلب ناشی از آن هستند و چالش پیچیده‌ای را به وجود می‌آورند (ر.ک: باقری، بصیری و یزدانی،

۱۴۰۱ ه.ش، ص ۴۹ - ۵۱).^۵

طی دهه‌های اخیر به موازات افزایش بزهکاری‌های تروریستی معاصر در سطح بین‌المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضدتروریستی درک شد و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تصویب و منعقد گردید.^۶ این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی تدابیری برای پیشگیری از بزهکاری‌های تروریستی بوده است؛ اما این روند مبارزاتی به کاهش این پدیده منجر نشد (صابر و صادقی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۱۴۸). در حالی که امروزه نقض آشکار حقوق بشر، آن هم به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت‌آمیز از حقوق اساسی بشری، بزهکاری ضدبشری و تهدیدی علیه صلح و امنیت بشری به شمار می‌آید.^۷ این بزهکاری‌ها، رفتارهایی خشونت‌آمیز هستند که متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته این گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخص را زیر پا نهاده‌اند و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود (John-Hopkins, 2017, p 293).^۸

امروزه بزهکاری‌های تروریستی با استفاده از تجهیزات و فناوری روز توانسته‌اند تقریباً در هر منطقه و مکانی که اراده کنند، اقدام‌های خود را سازماندهی کرده، به اجرا درآورند؛ در حالی که با وجود موفقیت تروریست‌ها برای تطبیق خود با روند جهانی شدن، تلاش‌های جوامع برای مقابله با بزهکاری تروریستی معاصر همچنان بخشی و ملی مانده است (Schmid, 2023, p 15). تروریست‌ها از طریق انجام رفتارهای خشونت‌بار تروریستی، از یک سو ظرفیت و استعداد مجرمانه بالایی دارند و از سوی دیگر از توانایی ارتکاب رفتارهای خشن برخوردارند. ارتکاب بزهکاری متعدد تروریستی موجب خطرمداری سیاست‌گذاران جنایی در حوزه کنترل بزهکاری و تحول پارادایمی در حقوق کیفری شده است (شاهیده، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۱۹۷).

سیاست جنایی ایران در مواجهه با تهدیدات تروریستی، با تکیه بر اصول اسلامی به ویژه مفاهیم فقهی «محاربه» و «افساد فی الارض»، ظرفیت قابل توجهی برای جرم‌انگاری اعمال تروریستی ایجاد کرده است. در این راستا، ایران از این مفاهیم فقهی برای مقابله با تهدیدات امنیتی استفاده کرده است و اقدامات مرتبط با تروریسم را به طور مؤثر و در چارچوب اصول

اسلامی جرم‌انگاری کرده است. مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» در قوانین کیفری ایران در جایگاه ابزارهای مقابله با تهدیدات امنیتی و اجتماعی به کار گرفته می‌شوند. محاربه به معنای «جنگیدن علیه خدا و رسول» و افساد فی الارض به معنای ایجاد فساد و هرج و مرج در زمین، در فقه اسلامی به عنوان جرایم سنگین با مجازات‌های شدید شناخته می‌شوند.

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، این مفاهیم در سیاست جنایی ایران به‌ویژه در مقابله با گروه‌های تروریستی استفاده شد و در قانون مجازات اسلامی به‌ویژه از طریق مجازات‌هایی نظیر اعدام و قطع اعضای بدن، جرم‌انگاری گردید. این اقدامات در مبارزه با تروریسم و گروه‌های ضدنظام که به حملات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی اقدام می‌کنند، نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. بهره‌گیری از آموزه‌های فقه اسلامی در جرم‌انگاری تروریسم در جایگاه ابزاری مؤثر در سیاست جنایی ایران شناخته می‌شود؛ اما ضرورت دارد این ابزارها با دقت و ملاحظات لازم به کار گرفته شوند تا از هرگونه سوءاستفاده و نقض حقوق بشر جلوگیری گردد و عدالت کامل و بی‌طرفانه اجرا شود.

اگرچه این ظرفیت‌های قانونی در برخورد با تروریسم مفید به نظر می‌رسند، انتقادات و چالش‌هایی نیز مطرح است. برخی منتقدان نگرانی دارند که تفسیرهای گسترده از مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» ممکن است منجر به سوءاستفاده از قوانین و نقض حقوق بشر گردد. در نظام حقوق بین‌الملل معاصر با وجود راهبردها و سازوکارهای متعدد در کنوانسیون‌های ضدتروریسم برای مقابله با جرایم تروریستی، محدودیت‌های عملی قابل توجهی در اثربخشی این سازوکارها وجود دارد؛ به‌ویژه زمانی که جرایم تروریستی تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شوند، جرم‌انگاری این جرایم در سطوح داخلی و بین‌المللی به عنوان روشی مؤثر برای مقابله با این تهدیدات مطرح می‌شود. اگر این جرایم از سوی گروه‌های سازمان‌یافته علیه دولتی استبدادی و خودکامه هدایت شوند، جرم‌انگاری آنها نه تنها در راستای پیشگیری از تهدیدات جهانی صلح و امنیت قرار می‌گیرد، بلکه توجیه‌پذیری آن در نظام حقوقی به یقین اثبات شدنی است.

۲. تحلیل مفاهیم فقهی و چالش‌های اجرایی در قبال جرم‌انگاری بزه‌کاری‌های تروریستی وفاق معیارهای فقهی محاربه و افساد فی الارض

در چارچوب سیاست تقنینی پیرامون جرم‌انگاری محاربه و افساد فی الارض می‌توان اظهار داشت ضمن عدم جرم‌انگاری افساد فی الارض در مقررات موضوعه به گونه‌ای مستقل، بلکه برای جرم‌انگاری و کیفرگذاری جرایم ارتكابی عبارت «محاربه و افساد فی الارض» به کار برده شده بود.^۹ هرچند در برخی از قوانین جاری عنوان مستقل افساد فی الارض به گونه‌ای بسیار محدود مقرر شده است.^{۱۰} یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد خشونت و افراطی‌گری طیفی وسیع از فعالیت‌های خرابکارانه و تروریستی را دربر می‌گیرد و این امر در فقه به طور عمده تحت عنوان فتک، محاربه و افساد فی الارض تحلیل‌شدنی است که دولت و حکومت اسلامی متعهد به مجازات و سرکوب عاملان آن است (قریشی محمدی، پبله‌ور و فغانی، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۱۲۳).

امروزه محاربه و افساد فی الارض به مثابه مهم‌ترین جرایم امنیتی در چارچوب موازین فقهی مطرح هستند. مستند فقهی این جرم خطیر در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره «مائده» بیان‌کننده حد و کیفر کسانی است که در اصطلاح به آنها محارب و مفسد فی الارض گفته می‌شود و در حکم جنگ و مخاصمه با خداوند دانسته شده است.^{۱۱}

به باور جمعی از فقیهان، «افساد فی الارض» و «محاربه» جرم واحدی است؛ اما برخی دیگر معتقدند این افساد، عنوان مجرمانه مستقل و جدا از محاربه است. مستند این دیدگاه، آیات ۳۲ و ۳۳ سوره «مائده»، آیات وارد شده در موضوع فتنه، بخشی از خطبه قاصعه، روایت فضل بن شاذان، روایت ابن عبید، ادله وارد در مبحث امر به معروف و نهی از منکر و ادله وارد در تکرار جرایم تعزیری است. همچنین روایات موجود در ابواب مختلف فقه که موضوع آنها بر «مفسد فی الارض» تطبیق داده شده، از دیگر مستندات اندیشه این فقیهان است. محاربه را قطع طریق تعریف می‌کنند که شامل ربودن مال افراد در گردنه‌ها و راه‌های خارج از شهر و آبادی است. این تعریف بیشتر محاربه را به سرقت نزدیک می‌کند و در اقوال

فقیهان امامیه نادر است و بیشتر به نظر اهل سنت مستند است که گفته‌اند: «حربه عبارت از قطع طریق یا سرقت کبراست» (ربانی‌کیا، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۲۵۷). محاربه در حقوق کیفری ایران در جایگاه یکی از جرایم علیه امنیت عمومی در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی تعریف شده است. این جرم از مفاهیم اسلامی گرفته شده و ارتباط مستقیمی با آیه ۳۳ سوره «مائده» دارد. معاونت در محاربه به معنای کمک و همکاری در تسلیح یا به‌کارگیری سلاح به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه است که به دنبال آن آسیب به افراد وارد می‌شود. معاونت در این جرم می‌تواند در قالب‌های مختلفی از همیاری با مرتکب اصلی جرم در تهدید جان، مال یا حیثیت افراد یا ایجاد ترس عمومی تجلی یابد. به‌طور کلی معاونت در محاربه عملی تلقی می‌شود که برای یاری به فردی که قصد وارد کردن آسیب به دیگران یا ایجاد ناامنی و وحشت عمومی از طریق استفاده از سلاح را دارد، انجام می‌شود. رکن مادی معاونت در محاربه را می‌توان از موارد ذکر شده در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی استنباط کرد؛ در حالی که رکن روانی آن به آگاهی و نیت فرد در ارتکاب این اعمال مرتبط است (خالقی و یاری، ۱۴۰۴ ه.ش، ص ۹۱).

بنابراین مبنای جرم‌انگاری محاربه در قلمرو حقوق کیفری ایران، آیه ۳۳ سوره «مائده» است. با وجود اینکه در این آیه هم به محاربه و هم به افساد فی الارض اشاره شده است، بیشتر مفسران و فقیهان معتقدند آیه فقط در مقام جرم‌انگاری «محاربه» است و نمی‌توان از این آیه، جرم‌انگاری «افساد فی الارض» را استنباط کرد. مفسران و فقیهان مفهوم محاربه را حالتی می‌دانند که فردی به قصد ارباب مردم به روی آنها سلاح بکشد (ر.ک: فرح‌زادی و فتح‌اللهی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۱۱۸). افزون بر این، ایشان عنوان مستقل مجرمانه‌ای برای افساد فی الارض قائل نیستند و آن را تنها صفت محاربه قلمداد کرده‌اند و معتقدند قید «یسعون فی الارض فسادا» وصف محاربه است (فتحی، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۱۸۶).

البته مقصود از «افساد فی الارض»، ایجاد فساد در جامعه است؛ زیرا انتساب فساد در زمین به این دلیل بود که زمین مکانی برای زندگی و استقرار انسان است؛ از این رو هدف از بحث، زمین،

خاک، سنگ و امثال اینها نیست؛ چراکه زمین و مکان از حیث مطلوبیت برای انسان موردنظر است. بنابراین آیه شریفه «افساد فی الارض» را مقرر کرده است، نه «افساد الارض» و وفق همین امر، صلاح زمین به آن است تا برای زندگی انسان مناسب باشد. درواقع مواجهه فساد و صلاح مؤید انتساب امر موجود به جامعه است؛ چون اصلاح برای جامعه اجراشدنی است و نه ذات زمین و افساد مورد حکم برای جامعه است و نه امر دیگر. بر این اساس، عبارت «یسعون فی الارض فساد» دلالت بر تلاش برای ارتکاب اقداماتی برای ایجاد فساد در جامعه دارد (شمس ناتری، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۱۴۶ - ۱۴۷). «با این حال قانون‌گذار با نگاه و تفسیر سطحی که از آیه ۳۳ سوره "مائده" داشته، در مواردی دچار سوء برداشت شده است و قلمرو ماده را به جرایمی که هیچ‌کدام از دو خصوصیت دست به اسلحه بردن و قصد ارباب داشتن را ندارد توسعه داده است؛ نیز در مواردی هم برای "افساد فی الارض" عنوان مستقل مجرمانه قائل گردیده است» (پورباقرانی، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۵۸).

این عناوین در «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱» در کنار هم به کار برده شده‌اند و با توجه به ابهام‌ها، در «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰» تحولات نه‌چندان چشمگیری داشته‌اند؛ اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولات اساسی و پذیرفتنی در آنها انجام گرفته است و عنوان مجرمانه مستقل پیدا کرده‌اند؛ «چراکه از مصادیق محاربه کاسته و محدود به موارد خودش گردید. مصادیق دیگر در قالب جرم افساد و بغی قرار گرفته‌اند. با تغییراتی که در مفهوم و مصادیق محاربه ایجاد شد، به تبع مصادیقی که در دیگر قوانین به عنوان محارب و یا در حکم محاربه وجود دارند، در صورت عدم مطابقت با محاربه باید دچار تغییر گردند یا باید بر اساس مواد قانونی دیگر مانند جرم بغی و افساد فی الارض تفسیر گردند».^{۱۲}

تطابق بزهکاری‌های تروریستی با مفاهیم فقهی در سیاست جنایی ایران به‌ویژه از طریق مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» جایگاه برجسته‌ای دارد. گفتمان حقوقی آموزه‌های اسلامی در چارچوب این سیاست جنایی به‌ویژه در زمینه جرم‌انگاری بزهکاری‌های تروریستی با بهره‌گیری از این مفاهیم فقهی، ظرفیت‌های مؤثری را برای مقابله با تهدیدات تروریستی فراهم کرده است.

در این راستا مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» در جایگاه ابزارهای قانونی و فقهی به‌ویژه در مقابله با تهدیدات امنیت عمومی و نظم اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کنند. این مفاهیم در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) به صراحت و با انعطاف‌پذیری تعریف شده‌اند و در سیاست جنایی ایران به‌ویژه در برخورد با بزه‌کاری‌های تروریستی و تهدیدات ناشی از آنها به کار گرفته می‌شوند. مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» به عنوان اصول فقهی و حقوقی، در شرایطی که اقدامات تروریستی موجب تهدید امنیت عمومی و نظم اجتماعی می‌شود، مبنای قانونی مؤثری برای مقابله با این تهدیدات مطرح می‌گردند؛ به‌ویژه زمانی که این جرایم در سطح ملی و بین‌المللی منجر به بحران و ناامنی می‌شود، بهره‌گیری از این مفاهیم در جایگاه ابزارهای اجرایی به طور قابل توجهی ظرفیت‌های مقابله با تروریسم را تقویت می‌کند. با وجود چالش‌های موجود در تفسیر و اجرای دقیق این مفاهیم، همچنان محتوای فقهی و حقوقی آنها به عنوان ارکان اساسی در مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت عمومی در ایران شناخته می‌شود.

۳. تطابق مفاهیم فقهی محاربه و افساد فی الارض با بزه‌کاری‌های تروریستی؛ رویکردی جدید در جرم‌انگاری امنیت‌مدار

یکی از مباحث مهم، موضوع تفکیک یا عدم تفکیک جرم محاربه و جرم افساد فی الارض است؛ چراکه بزه‌کاری‌های تروریستی در صورت جرم‌انگاری و به تبع آن کیفرگذاری، ساختاری متفاوت با عناوین فقهی خود از حیث انگیزه (یا قصد)، نحوه ارتکاب و آثاری که به جای خواهند گذاشت دارند؛ از این رو پرچالش‌ترین مباحث حقوق کیفری ایران، موضوع محاربه و افساد فی الارض در زمره جرایم علیه امنیت است که طی دهه‌های اخیر وفق آیه‌های ۳۲ و ۳۳ سورة «مائده» جرم‌انگاری شده‌اند؛ البته مصادیقی از آنها در «قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲» ملاحظه شدنی است.

این عناوین در «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱» در کنار هم به کار برده شده‌اند و با توجه به ابهام‌ها در «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰» تحولات نه‌چندان چشمگیری

داشته‌اند؛ اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولات اساسی و پذیرش‌پذیری در آنها انجام گرفت و عنوان مجرمانه مستقل پیدا کرده‌اند؛ «چراکه از مصادیق محاربه کاسته و محدود به موارد خودش گردید. مصادیق دیگر در قالب جرم افساد و بغی قرار گرفته‌اند. با تغییراتی که در مفهوم و مصادیق محاربه ایجاد شد، به تبع مصادیقی که در دیگر قوانین به عنوان محارب و یا در حکم محاربه وجود دارند، در صورت عدم مطابقت با محاربه باید دچار تغییر گردند یا باید بر اساس مواد قانونی دیگر مانند جرم بغی و افساد فی الارض تفسیر گردند. بیشتر مصادیق قبلی افساد فی الارض باید با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و قیود معتبر آن لحاظ گردند که این از موازین حقوق بشر و کرامت انسانی و اصل عدالت که از معیارهای تناسب است، تلقی می‌گردد» (رورده، محسنی‌دهکلانی و روحانی مقدم، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۶۲).^{۱۳}

با سنجش متون و مفاد مقررات کیفری، علت توسیع مصادیق محاربه ناشی از دو امر است؛ نخست: عدم تمیز و تفکیک میان محاربه و بغی در متون فقهی؛ دوم: کیفرگذاری شدید برخی رفتارهای مجرمانه که ماهیت محاربه‌ای ندارند، همانند جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی وفق قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵. «بنابراین از دید قانون‌گذار، افساد فی الارض جرمی مستقل نسبت به محاربه است؛ چراکه عنصر مادی جرم محاربه فعل مادی مثبت است همچون به‌کارگیری سلاح، اما عنصر مادی افساد فی الارض گاه به صورت فعل مثبت مادی (توزیع مواد مخدر) و معنوی (تحریک به ترك خدمت نیروهای مسلح) و برخی اوقات به صورت ترك فعل (اخلال در توزیع مایحتاج عمومی) بروز و ظهور می‌یابد. همچنین عنصر معنوی جرم محاربه، قصد ایجاد ارباب است؛ اما عنصر معنوی جرم افساد فی الارض، قصد اختلال گسترده در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است؛ هرچند این عنصر در این جرم مفروض پنداشته می‌شود» (بای، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۷۷).

قانون‌گذار داخلی با توجه به گسترش بزهکاری‌های تروریستی به‌ویژه جرایم امنیتی در چارچوب محاربه، کوشیده است این اقدامات را که امروزه بیشتر بر فناوری‌های جدید متمرکز شده‌اند، به شیوه‌های مختلفی کنترل و مقابله کند. این رویکرد در مقررات داخلی به اشکال مختلفی ظاهر شده است؛ به همین دلیل در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، اقداماتی مانند جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، آتش‌سوزی و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک و تأسیس مراکز فساد و فحشا با عنوان جرایم شناخته شده است. با این حال، تمامی این عناوین کلی هستند؛ برای مثال «جنایت علیه تمامیت جسمانی» شامل قتل، ضرب و جرح، سقط جنین، درگیری‌ها، اسیدپاشی و موارد مشابه می‌شود یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور طبق مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) در بخش تعزیرات قرار دارند. این روند در مورد دیگر جرایم نیز صادق است و به طور کلی، تمامی جرایم ذکرشده در این ماده ممکن است مشمول مجازات سنگینی چون «افساد فی الارض» و مجازات اعدام شوند (برهانی، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۲۲).^۴

ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، محاربه را کشیدن سلاح به منظور تهدید جان، مال یا ناموس مردم یا ایجاد رعب و وحشت در آنها تعریف کرده است؛ به گونه‌ای که موجب ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود؛ افزون بر این، ماده ۲۸۷ این قانون مجازات اعدام را برای «باغی» در نظر گرفته است. در برخی مواد دیگر این قانون نیز به مجازات افساد اشاره شده است، هرچند در این موارد محاربه نیز یکی از مصادیق افساد ذکر شده است. با توجه به تعریف محاربه، در این موارد که ارکان کامل محاربه وجود ندارد، عمل ارتكابی به عنوان افساد فی الارض مورد مجازات قرار می‌گیرد. تبصره نخست ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) است که قانون‌گذار ذیل جرم خرابکاری در تأسیسات مورد استفاده عمومی بیان داشته است: «در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظام و امنیت جامعه و مقابله با حکومت

اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت». مورد دیگر ماده ۵۰۴ از قانون پیش گفته است که درباره تحریک نیروهای مسلح به عصیان و فرار و تسلیم و ... مقرر می‌دارد: «... در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب می‌شود». امثال این موارد بی‌شک در ادبیات فقهی محاربه نیستند، بلکه قانون‌گذار کیفر محارب را بر موردی مترتب کرده است که به نظر می‌رسد مصادیق «افساد فی الارض» باشد.

آنچه بیش از همه در ماده ۲۸۶ ملاحظه شدنی است، به‌کاربردن واژگانی کلی نظیر «به طور گسترده»، «موجب اخلال شدید»، ورود خسارت عمده» و «اشاعه فساد در حد وسیع» است.^{۱۵} «به طور گسترده» قید اقدام مجرمانه بوده و اخلال شدید و خسارت عمده و نیز اشاعه در حد وسیع، قیودی برای نتایج حاصل از ارتکاب اقدامات مزبور قلمداد می‌گردد (ر.ک: سالارزایی و افروشته، ۱۳۹۸ ه.ش). «افزون بر این، قیود مزبور هیچ معیاری را جهت تمیز و احراز مصادیق آن ایجاد نخواهد کرد و حسب زمان و مکان و نیز سلاقی و تفکرات شخصی مرجع رسیدگی‌کننده قضایی، محتمل است که متفاوت باشد؛ هرچند که قانون‌گذار برای رفع این چالش قانونی با تقریر تبصره ذیل ماده اخیرالذکر یادآور می‌شود که در صورت عدم احراز قیود مزبور، کیفر با توجه به میزان نتایج زیان‌بار ناشی از جرم ارتكابی، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش مورد محکومیت قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به اصل عدم وجود قصد یا علم متهم به این قیود، بار احراز و اثبات این قیود بر عهده مرجع قضایی است» (هاشمی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۱۳۴). بنابراین پذیرش چنین سیاستی جنایی حول محور نظام قانون‌گذاری بی‌تردید اشکال‌هایی را به همراه خواهد داشت؛ چراکه برداشت مقامات قضایی و تعقیب در اجرای عدالت کیفری بسیار متفاوت و دور از عدالت قضایی خواهد بود. همچنین باید اذعان داشت جرایم مقرر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی تحت شمول جرایم مقید هستند که اخلال شدید در نظم عمومی کشور،

ناامنی، ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد، اموال عمومی و خصوصی و نیز اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع را دربر می‌گیرد.

با وجود این، نظم و امنیت ملی امری ذهنی و انتزاعی است و نه واقعی و خارجی؛ بنابراین نقض امنیت و ایجاد ناامنی از جمله اموری است که بی‌تردید نمی‌توان مبنای آشکاری برای آن ایجاد کرد. افزون بر این میزان و کیفیت خسارات عمده به اموال عمومی و خصوصی و همچنین اشاعه فساد و فحشا به دلیل وجودداشتن معیاری قابل سنجش، امکان اندازه‌گیری ندارد. از سوی دیگر قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی با عدم تقریر این کیفر در ماده ۱۹ و تبصره‌های ذیل آن، به یقین کیفر اعدام را از شمول کیفرهای تعزیری خارج کرده است؛ بنابراین کیفر اعدام بر این مبنا باید در چارچوب «حدود» تقریر یابد. میان جرایم حدی، تنها جرمی که می‌تواند موجه باشد، جرم «افساد فی الارض» است؛ از این رو ضمن اینکه کیفر اعدام باید در چارچوب حدود تقریر یابد، جرم افساد فی الارض قادر خواهد بود اعدام را در مقررات موجود توجیه کند.^{۱۶}

در پاسخ به این پرسش که «چگونه بزهکاری تروریستی از دیدگاه فقهی در چارچوب مفاهیم محاربه و افساد فی الارض توان هم‌پوشانی را دارد؟ و سیاست جنایی ایران از این چارچوب مبنایی و مفهومی در قبال تهدیدات ناشی از آن با چه ادله‌ای برای نظام تقنینی بهره‌برداری می‌کند؟»، می‌توان اذعان داشت بزهکاری تروریستی از دیدگاه فقهی با مفاهیم محاربه و افساد فی الارض تطابق زیادی دارد و در بسیاری از موارد می‌توان آن را در چارچوب این مفاهیم تحلیل کرد. در فقه اسلامی این مفاهیم برای توصیف و مجازات اقداماتی به کار می‌روند که به طور جدی امنیت عمومی و نظم اجتماعی را تهدید می‌کنند. محاربه به معنای جنگیدن علیه خدا و رسول و استفاده از سلاح برای تهدید جان، مال یا آبروی مردم و ایجاد ترس و وحشت عمومی است. با این وجود، روایات متعددی از ائمه (ع) در تعریف محاربه مشابه‌اند؛ از جمله از قول امام باقر (ع) نقل شده است: «مَنْ حَمَلَ

السِّلَاحِ بِاللَّيْلِ فَهُوَ مُحَارِبٌ... کسی که در شب سلاح حمل کند، محارب است» (حر عاملی، ۱۴۰۳هـ، ص ۱۲۰). در روایت دیگری آمده است: «مَنْ شَهَرَ السِّلَاحَ (فِي مَضْرَمٍ) الْأَمْصَار... فَهُوَ مُحَارِبٌ» (حر عاملی، ۱۴۰۳هـ، ص ۳۰۷). در کتاب جواهرالکلام آمده است: «کسی که برای ترساندن مردم سلاح حمل کند نیز محارب است» (نجفی، ۱۳۶۸هـ.ش، ص ۵۶۴). اما بنا بر قول مشهور، همراه داشتن اسلحه به تنهایی کافی نیست. افزون بر این، شهید ثانی نیز در کتاب مسالک الافهام به ضرورت، قصد اخافه در تحقق محاربه اذعان می‌کند و می‌گوید: «يُشْتَرَطُ فِي الْمُحَارِبِ تَجْرِيدُ السِّلَاحِ وَالْمُرَادُ بِهِ هُنَا... قَصْدُ اخَافَةِ النَّاسِ فَلَوْ اتَّفَقَ خَوْفُهُمْ مِنْهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَقْصِدَهُ فَلَيْسَ بِمُحَارِبٍ» (جبعی عاملی، ۱۴۱۶هـ، ص ۵). بنابراین برای تحقق محاربه شرط است که سلاح برهنه شود و قصد ترساندن مردم وجود داشته باشد؛ اما اگر اتفاقی و بدون قصد اخافه مردم از او بترسند، او محارب نخواهد بود. همچنین برای تحقق هر دو عنوان مجازات، برخی فقیهان جمله دوم آیه را ناظر به نیت، قصد و غرض محارب می‌دانند. به عبارت دیگر، از دیدگاه ایشان محاربه مورد نظر در آیه، کشیدن سلاح به قصد ایجاد فساد در زمین است. دلیل ایشان بر این استدلال آن است که کلمه «فَسَادًا» در آیه را منصوب به حال یا «واو» به کار رفته را «واو حالیه» در نظر می‌گیرند (طبرسی، ۱۴۱۵هـ، ص ۳۲۴). به دیگر تعبیر، «فساداً مصدر وضع موضع الحال» به این معنا که هدفشان ایجاد فساد در زمین است. مشابه این استدلال در منابع فقهی دیگر نیز ملاحظه شدنی است (کاظمی، ۱۳۶۵هـ.ش، ص ۲۱۰). در نتیجه این آیه به کسانی اشاره دارد که محاربه می‌کنند، در حالی که قصد ایجاد فساد در زمین دارند. از این رو این حالت به یقین بیان‌کننده قصد و نیت آنان است.

از آنجاکه بزه‌کاران تروریستی اغلب از خشونت و سلاح برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا اعتقادی خود استفاده می‌کنند، این افراد را می‌توان در قالب محاربه قرار داد؛ به ویژه زمانی که اقدامات آنان تهدیدی برای امنیت جامعه ایجاد کند و موجب ترس و

اضطراب در مردم شود، این اعمال جرم محاربه شناخته می‌شود. از سوی دیگر، افساد فی الارض به اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آنها تخریب، فساد در زمین و برهم زدن نظم و آرامش اجتماعی است. بزهکاران تروریستی که با اقدامات خود به زیرساخت‌ها، اقتصاد و نظم اجتماعی آسیب می‌زنند و در مواردی این اقدامات منجر به فساد و تضعیف ساختارهای اجتماعی و اقتصادی می‌شود، می‌توانند تحت عنوان افساد فی الارض قرار گیرند. به این ترتیب تروریسم که اغلب با تهدید، خشونت و ایجاد ناامنی همراه است، می‌تواند در چارچوب مفاهیم فقهی محاربه و افساد فی الارض تحلیل و طبقه‌بندی شود. بنابراین سیاست جنایی ایران از این مفاهیم فقهی در جایگاه ابزارهای قانونی و فقهی برای مقابله با تهدیدات تروریستی استفاده می‌کند.

با این همه در سیاست جنایی ایران، کیفرهای شدیدی مانند اعدام، قطع دست و پا، حبس و سایر مجازات‌ها به عنوان ابزارهایی برای مقابله با تروریسم و حفظ امنیت عمومی استفاده می‌شوند. این کیفرها بر اساس مفاهیم فقهی مانند محاربه و افساد فی الارض تعریف شده‌اند و برای بازدارندگی و مقابله با تهدیدات تروریستی به کار می‌روند. اعدام به‌ویژه برای بزهکاران تروریستی که امنیت کشور را تهدید می‌کنند، پیامی قاطع برای پیشگیری از گسترش تروریسم مطرح است. قطع اعضای بدن نیز برای جرایم خاصی مانند محاربه اعمال می‌شود و بازدارنده‌ای محکم دانسته می‌شود. حبس نیز مجازاتی جایگزین برای بزهکاران تروریستی با تهدیدات کمتر است و فرصتی برای اصلاح مجرمان فراهم می‌آورد. همچنین مجازات‌هایی مانند تبعید و مصادره اموال برای افرادی که در حمایت یا تجهیز بزهکاران تروریستی نقش دارند، در نظر گرفته شده است. از این رو استفاده از این کیفرها ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود؛ به‌ویژه از نظر حقوق بشر و انتقادات بین‌المللی. همچنین اعمال مجازات‌های سنگین می‌تواند منجر به تقویت خشونت و افراط‌گرایی شود و در برخی موارد اشتباهات حقوقی در تعیین مرز میان تروریسم و مبارزات مشروع رخ دهد.

نتیجه

بزهکاری تروریستی در دنیای معاصر به جرایمی اطلاق می‌شود که با ویژگی‌هایی نظیر خشونت، افراطی‌گری و ایجاد وحشت عمومی همراه است. این نوع جرایم به‌ویژه در جوامع معاصر، با هدف برهم‌زدن نظم اجتماعی و تهدید امنیت مردم انجام می‌گیرند. در ایران این‌گونه جرایم اغلب از طریق مفاهیم فقهی مانند «محاربه» و «افساد فی الارض» توصیف می‌شوند که برخی از ابعاد آنها مشابه با تروریسم است. هدف اصلی این جرایم، مختل کردن ثبات اجتماعی و ایجاد ترس عمومی است. برای مقابله با این تهدیدات، سیاست جنایی ایران مجازات‌های شدیدی مانند اعدام و قطع عضو را در نظر گرفته است تا از گسترش این نوع جرایم پیشگیری کند. هرچند این مجازات‌ها در جایگاه ابزار بازدارنده استفاده می‌شوند، اما ممکن است با انتقادهای حقوق بشری و اعتراضات بین‌المللی مواجه شوند.

مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» در حقوق اسلامی با عنوان جرایم ضد امنیت عمومی شناخته می‌شوند. با توجه به تهدیدات تروریستی جدید به‌ویژه در عصر فناوری و «رایانگ‌ها»،^{۱۷} روزآمدی این مفاهیم ضروری به نظر می‌رسد. سیاست جنایی ایران به منظور پیشگیری از گسترش تروریسم و ارسال پیامی قوی به تهدیدکنندگان امنیت کشور، مجازات‌های سختی را اعمال کرده است. افزون بر این، ایران قوانینی مانند مبارزه با تأمین مالی تروریسم را تصویب کرده و به کنوانسیون‌های بین‌المللی پیوسته است. با وجود این، برخی قوانین داخلی همچنان نیازمند تقویت و بازنگری هستند. ایران همچنین از ظرفیت‌های قضایی بین‌المللی برای محاکمه تروریست‌ها بهره می‌برد و در حوزه پیشگیری فکری و عقیدتی از تروریسم نیز اقدامات متعددی انجام می‌دهد. با این همه، برای بهبود مقررات کیفری در زمینه مقابله با تروریسم و انطباق آن با اصول حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی، لازم است اصلاحات بنیادین و همه‌جانبه در این حوزه به عمل آید. این اصلاحات می‌تواند به تقویت زیرساخت‌های حقوقی کشور در مقابله مؤثرتر با تهدیدات تروریستی کمک کند.

در حالی که حقوق فردی و آزادی‌های اساسی نیز به طور کامل حفظ و محافظت گردد. بنابراین برخی پیشنهاد‌های اصلاحی در ادامه ارائه می‌گردند:

الف) یکی از نخستین اقدامات ضروری، شفاف‌سازی و تعیین دقیق‌تر مفاهیم حقوقی «محاربه» و «افساد فی الارض» در مقررات کشور است. با توجه به پیشرفت‌های سریع فناوری و پیچیدگی تهدیدات جدید، ضروری است که این مفاهیم به طور خاص و بدون ابهام در متن قوانین گنجانده شوند تا از هرگونه سوءتفسیر یا اعمال غیرموجه پیشگیری به عمل آید.

ب) هماهنگی قوانین داخلی با اصول بنیادین حقوق بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌ویژه در فرایند مقابله با تروریسم، باید حقوق متهمان شامل حق دفاع، حق محاکمه عادلانه و ممنوعیت شکنجه و رفتار غیرانسانی کاملاً رعایت گردد. این اصلاحات باید با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه در زمینه‌های مجازات، دادرسی و محاکمات تطابق داشته باشد.

ج) افزون بر اصلاحات قانونی، اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه از طریق آموزش و مقابله با افراط‌گرایی، نقش بسزایی در کاهش تهدیدات تروریستی ایفا خواهد کرد. افزایش آگاهی عمومی و ترویج فرهنگ ضدتروریستی در سطح جامعه، امری ضروری است تا از بروز تهدیدات جدید و توسعه رفتارهای خشونت‌آمیز پیشگیری شود.

د) به منظور ارتقای شفافیت و تقویت اعتماد عمومی، پیشنهاد می‌شود دادگاه‌های ویژه و مستقلی برای رسیدگی به جرایم تروریستی تشکیل شود که در آنها کلیه اصول محاکمه عادلانه و استانداردهای بین‌المللی رعایت گردد. این اقدام می‌تواند به تقویت اعتماد مردم به دستگاه قضایی و تضمین دادرسی منصفانه کمک کند.

هـ) تقویت همکاری‌های بین‌المللی و نظارت مؤثر بر تأمین مالی تروریسم از دیگر پیش‌نیازهای مهم در قبال تهدیدات تروریستی است. این همکاری‌ها نه تنها امنیت ملی کشور را تأمین خواهد کرد، بلکه به تقویت امنیت جهانی و پیشگیری از گسترش تروریسم در سطح بین‌المللی نیز کمک می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. The New Encyclopedia Britannica, Vol. 11, Micropaedia, 1986, p. 650..

۲. یکی از بزرگ‌ترین نقص‌ها و کمبودهای بنیادین در نظام حقوق بین‌المللی کیفری، وجود نداشتن کنوانسیون جامع و فراگیری برای جرم‌انگاری تروریسم به طور کلی است؛ به طوری که این پدیده تنها در موقعیت‌های خاص و در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ضد تروریسم موجود مورد توجه قرار می‌گیرد. با وجود این، بزهکاری تروریستی به دلیل تنوع گسترده مصادیق آن طبق کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی ضد تروریسم (مانند تروریسم دریایی، هوایی، تأمین مالی، بمب‌گذاری‌ها، گروگان‌گیری، استفاده از مواد منفجره پلاستیکی و هسته‌ای و حمله به افراد تحت حمایت بین‌المللی)، ابزارهای تروریستی (از جمله هسته‌ای، رادیولوژیک، زیستی، شیمیایی، میکروبی و سایبری) و جرایم نوظهور مانند تکفیری، صادراتی، و تهدیدات انرژی (نظیر نفت، گاز، آب و برق)، همچنان مانعی برای دستیابی به اجماع بین دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است. در حالی که کنوانسیون‌های منطقه‌ای ضد تروریسم با اینکه تعریفی جامع از تروریسم ارائه نداده‌اند، به طور خاص به ارائه مصادیق مختلف از ابعاد مختلف این نوع بزهکاری پرداخته‌اند. در این میان، می‌توان به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در خصوص مبارزه با تروریسم بین‌المللی اشاره کرد که در بندهای دوم و سوم ماده اول خود، تعریفی از تروریسم و جرم تروریستی ارائه داده است.

۳. نظر به کاربرد ابزار و وسایل جدید در ارتکاب اقدامات تروریستی (نظیر تروریسم سایبری، هسته‌ای، زیست‌محیطی، کشاورزی و غیره)، لازم است قانون‌گذار درباره جرم‌انگاری و کیفرگذاری آنها راهبرد و سیاستی متناسب با آنها را اتخاذ نماید؛ از این رو درصدد اصلاح مقررات پیشین و تقریر و تصویب قواعد حقوقی و جنایی نوین برآید؛ چراکه اقتضائات دنیای کنونی این امر را توجیه می‌کند.

4. <https://www.icct.nl/node/2670>.

5. <https://www.usip.org/issue-areas/violent-extremism>.

۶. البته کنوانسیون‌های بین‌المللی، تروریسم را به عنوان جرم تحت حقوق بین‌المللی تعریف

نمی‌کنند، بلکه فقط تعهدی را بر دولت‌های عضو کنوانسیون وارد می‌کنند تا جرایم مورد بحث را به موجب قانون داخلی خود جرم‌انگاری اعلام کنند. در ضمن جرم‌انگاری مؤثر رفتارهای گوناگون مرتبط با تروریسم پیش نیاز مداخله دستگاه عدالت کیفری است. کیفری سازی نه تنها یک تعهد حقوقی برای دولت‌های عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریستی قلمداد می‌شود، بلکه پیش‌نیاز همکاری بین‌المللی مؤثر نیز است. کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریستی جرم‌انگاری برخی از رفتارهای تحت نظم خود را الزامی کرده‌اند.

7. See: "Priorities 2024-2026 for the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms while Countering Terrorism", Office of the High Commissioner for Human Rights, <https://www.ohchr.org/en/calls-for-input/2023/priorities-2024-2026-un-special-rapporteur-promotion-and-protection-human>

۸. در طول دهه‌ها، سازمان ملل متحد رهبری ایجاد کنوانسیون‌ها و سایر اسناد مربوطه را بر عهده داشته و کشورهای عضو را در تلاش‌های مشترکشان در قبال بزه‌کاری تروریستی هماهنگ کرده و چنین تلاش‌هایی را تحت حاکمیت قانون قرار داده است. در پاسخ به فراخوان آن، بسیاری از کشورها با وضع و اجرای مقررات داخلی ضد بزه‌کاری تروریستی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی علیه آن به طور فعال به تعهدات بین‌المللی خود عمل کرده‌اند. با تلاش‌های بی‌وقفه، جامعه بین‌المللی به تدریج چارچوب چندلایه‌ای از اسناد حقوقی علیه بزه‌کاری تروریستی از جمله کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، معاهدات و موافقت‌نامه‌های چند جانبه و دوجانبه و مقررات داخلی را ایجاد کرده است.

۹. یکی از جرایمی که در نظام حقوقی ایران بدون پیشینه قانونی و صرفاً بر اساس ادله شرعی وارد عرصه حقوق کیفری شده است، جرم «محاربه» و «در حکم محاربه» است؛ در حالی که این جرم در دسته جرایم حدی قرار می‌گیرد و باید تحت سیاست‌های خاص کیفری قانون قرار می‌گرفت، به تدریج توسعه یافت و با وجود مستندات شرعی در مورد جرایم علیه امنیت عمومی و حاکمیت، مرز بین جرایم علیه امنیت داخلی حکومت اسلامی و جرایم علیه امنیت عمومی مردم به نوعی دچار ابهام و امتزاج گردید. حتی در مورد جرایم مرتبط با امنیت

داخلی و خارجی نیروهای مسلح، این عنوان به طور گسترده‌ای برای جرایمی که شباهتی با محاربه ندارند و بیشتر به جرم «بغی» شباهت دارند، به کار گرفته شد و در تعریف و تشریح آن درج شد (کلانتری، صادق منش و رحیمی میلانی، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۶۹).

۱۰. به طور کلی اگر تروریسم را با محاربه مقایسه کنیم، می‌توان گفت هدف اصلی در محاربه، مختل کردن امنیت عمومی مردم است؛ در حالی که در تروریسم، حتی اقداماتی همچون قتل یا سوء قصد به جان شخصیت‌های سیاسی نیز می‌تواند جزء مصادیق آن باشد. افزون بر این، تهدید به انجام اقدامات خشونت‌آمیز نیز می‌تواند عمل تروریستی تلقی شود. در تروریسم، تفاوتی بین قربانیان جرم، چه مردم عادی، چه حکومت یا شخصیت‌های سیاسی وجود ندارد؛ اما در محاربه، قربانی باید عموم مردم باشند. بنابراین در تروریسم آنچه هدف قرار می‌گیرد، اعمال خشونت‌آمیز یا تهدید به آن است که در نتیجه موجب ایجاد ترس، وحشت و اضطراب در جامعه می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۱۴۴).

۱۱. البته برخی از فقیهان موضوع اصلی این آیه شریفه را قیام علیه حکومت اسلامی تلقی می‌نمایند و کسی که به قصد ارباب مردم و تصاحب اموال آنها دست به سلاح می‌برد را شامل نمی‌شود (مؤمن، ۱۴۱۵ ه.ش، ص ۳۷۶)؛ هرچند این دیدگاه که از سوی برخی عالمان مورد انتقاد قرار گرفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۲۱۲) و با گفتن غالب فقها و مفسران شیعی تناسب ندارد، می‌توان مورد پذیرش قانون‌گذاری در الحاق مفاد مواد ۲۷۹، ۲۸۱ و ۲۸۷ از قانون مجازات اسلامی به حد افساد فی الارض و توسعه در مصادیق این حد دانست. گفتنی است قانون‌گذار در مفاد مقرر در ماده ۲۷۹ تعریفی فقهی و سنتی را ذکر نموده است؛ اما در توسعه و گسترش مصادیق این حد، هیچ محدودیتی را برقرار نساخته است (آقابابایی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۵۵).

۱۲. تعیین مرز دقیق میان جرایم و جنایات مستوجب کیفر، هدفی مطلوب و مورد تأکید شارع مقدس است و در تدوین قوانین کیفری در جامعه اسلامی ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود. تفاوت‌ها و شباهت‌های دو جرم «بغی» و «محاربه» در متون فقه اسلامی و آرای مختلف

فقیهان، تفکیک این دو جرم را پیچیده و دشوار کرده است. بنابراین تبیین دقیق هریک از این جرایم با توجه به احکام و مجازات‌های خاص آنها، نیازمند دقت و تحلیل در دلایل شرعی است. در این راستا، با توجه به بررسی دقیق نصوص و دلایل فقهی، به نظر می‌رسد که بغی و محاربه با وجود شباهت‌های مفهومی، دو جرم و عنوان مستقل هستند. رابطه میان «محارب» و «باغی» از نوع عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که باغی کسی است که علیه امام عادل قیام کرده و امنیت و آرامش مردم را به خطر می‌اندازد، در حالی که محارب فردی است که برای ایجاد ناامنی، ترس، غارت و کشتار علیه مسلمانان سلاح می‌کشد. از این رو احکام و مجازات‌های این دو جرم نیز به طور مشخص با یکدیگر تفاوت دارند (نوریان، احدی و محمدیان، ۱۴۰۲ هـ.ش، ص ۴۸۹).

۱۳. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که با توجه به گسترش ابزارهای ارتباط جمعی در عصر حاضر، در صورتی که مطالب نادرست و کذب منتشر شود (برای مثال اگر فردی تصاویر و صحنه‌های مستهجن را از طریق فضای مجازی و الکترونیکی برای تعداد زیادی ارسال کند)، می‌تواند مصداق «افساد فی الارض» تلقی شود. با این حال با وجود ناپسند بودن چنین اقدامی، نسبت دادن مجازات شدید و سنگینی مانند افساد فی الارض برای این عمل از منظر فقهی قابل دفاع نخواهد بود.

۱۴. اذعان می‌شود عنوان محارب را قانون‌گذار در مواد ۴۹۸، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۲۶، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۵۳، ۶۵۴، تبصره ۶۷۵ و نیز ماده ۶۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) استفاده کرده است که در بیشتر این موارد محارب و مفسد اطلاق شده است. البته با مطالعه قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، جرایم موصوف به عنوان محاربه در مواد ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، بندهای «الف»، «ج» و «ه» و تبصره ۲ ذیل بند «ه» ماده ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، بندهای «الف» و «ب» ماده ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، بند «الف» ماده ۴۲، ۴۳، بند «الف» ماده ۴۴ و ۵۱، تبصره نخست ماده ۹۳، ۹۴ و ۱۲۸ مقرر هستند. جرایم ارتكابی با اینکه علیه امنیت داخلی و خارجی به شمار می‌آیند، اما به صراحت اقدامات تروریستی را تحت پوشش قرار نمی‌دهند.

۱۵. قانون‌گذار با وجود چالش‌های نظری عمیق و گسترده درباره مبانی و مستندات فقهی افساد فی الارض و تفکیک آن از جرم محاربه، در نهایت به موجب ماده ۲۸۶ مبادرت به جرم‌انگاری و تبیین شرایط و ارکان آن در قالب مستندی عام نموده است. اعمال هم‌زمان دو ضابطه عینی به مفهوم جایگاه محوری تعدد و تکرار افعال مجرمانه مستنبط از عبارت «گسترده» در صدر ماده و توجه به گستردگی آثار و نتایج زیان‌بار، مستنبط از عبارت «عمده» در ذیل آن و نیز ضابطه ذهنی به مفهوم لزوم احراز قصد خاص مجرمانه مشخص در مرتکب، وجه تمایز اساسی و از نکات مثبت این مستند قانونی در قیاس با مصداق‌گرایی پیشین قانون‌گذار تلقی شده و از این حیث که تا حدودی ابهامات موجود پیرامون کیفیت تحقق افساد فی الارض مذکور در سایر قوانین خاص کیفری را مرتفع نموده است، مثبت ارزیابی می‌گردد (رهبرپور و نورمحمدی، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۲۲۶).

۱۶. با توجه به پذیرش ماده ۲۸۶ به عنوان لاحق نسبت به مواد قانونی سابق، باید به این نتیجه متعارف رهنمون شد که قیود مقرر در ماده اخیر باید از سوی دادرس در افهام و ادراک مقررات سابق مدنظر قرار گیرد؛ از این رو باید به طور کلی در کیفر مقرر در مقررات گوناگون مدنظر قرار گیرد و دادرس از هرگونه ایراد پرهیز کند و با استناد به افساد برای رفتارهای خاص به صدور حکم اعدام مبادرت نماید.

۱۷. «رایاجنگ» (Cyberwars)، واژه مصوب «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» است.

کتاب‌نامه

۱. آقابابایی، حسین. (۱۳۹۳ ه.ش)، «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت». جرایم علیه امنیت. به کوشش حسینعلی بای. چ ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. باقری، محسن؛ محمدعلی بصیری؛ و عنایت‌اله یزدانی. (۱۴۰۱ ه.ش). «استراتژی امنیت ملی رژیم صهیونیستی و گروه‌های سلفی - تکفیری: از هم‌سویی فکری تا نزدیکی راهبردی (مطالعه موردی داعش)». بحران‌پژوهی جهان اسلام. دوره ۹. ش ۴. ص ۴۵ - ۸۳.

۳. بای، حسینعلی. (۱۳۹۳ ه.ش). «افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟». جرایم علیه امنیت. به کوشش حسینعلی بای. چ ۱. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. برهانی، محسن. (۱۳۹۴ ه.ش). «افساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دوره ۲. ش ۲-۳. ص ۱۹-۴۴.
۵. پورباقرانی، حسن. (۱۳۹۰ ه.ش). «تحلیل جرم محاربه». فقه و حقوق اسلامی. دوره ۳. ش ۴. ص ۴۹-۷۸.
۶. سالارزایی، امیرحمزه؛ و جمیل افروشته. (۱۳۹۸ ه.ش). «تحلیل تفکیک بین محاربه و افساد فی الارض در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». جستارهای فقهی و اصولی. دوره ۵. ش ۱. ص ۱۶۷-۱۸۹.
۷. شاهیده، فرهاد. (۱۴۰۱ ه.ش). «حقوق کیفری خطرمدار در قلمرو بزهکاری تروریستی». آموزه‌های حقوق کیفری. دوره ۲۴. ش ۲. ص ۱۰۲-۱۸۷.
۸. شمس‌ناتری، محمدابراهیم. (۱۳۹۸ ه.ش). جرایم سازمان‌یافته در آینه سیاست کیفری اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی. چ ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. صابر، محمود؛ و ولی‌الله صادقی. (۱۳۹۲ ه.ش). «آموزه‌شناسی مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم». تعالی حقوق. دوره ۴. ش ۱۱. ص ۱۳۳-۱۵۸.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ ه). مجمع البیان لعلوم القرآن. ج ۳. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۱. حائری، محمدحسن؛ و همکاران. (۱۳۹۱ ه.ش). «نگرشی نو در رابطه جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی در فقه و حقوق موضوعه». آموزه‌های حقوق کیفری. دوره ۹. ش ۳. ص ۵۱-۷۸.
۱۲. حرعاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۳ ه). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق: محمد الرازی. چ ۵. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۳. خالقی، ابوالفتح؛ و محمدیاری. (۱۴۰۴ ه). «معاونت در محاربه در حقوق کیفری ایران و فقه اسلامی». آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی. دوره ۲. ش ۵. ص ۹۱-۱۱۰.
۱۴. جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۶ ه). مسالک الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۵. فتحی، حجت‌الله. (۱۳۹۶ ه.ش). شرح میسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (حدود). زیر نظر سید محمود هاشمی‌شاهرودی. چ ۲. قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۱۶. فتح‌زادی، علی‌اکبر؛ و سیدکامران فتح‌اللهی. (۱۳۹۰ ه.ش). «مقایسه محاربه با مفاهیم مشابه». فقه مقارن. دوره ۱. ش ۲. ص ۱۱۱-۱۲۹.
۱۷. قریشی‌محمدی، فاطمه‌سادات؛ مرضیه پله‌ور؛ و رامین فغانی. (۱۴۰۰ ه.ش). «مسئولیت دولت‌ها در مقابله با خشونت و افراط‌گرایی در فقه و اسناد بین‌المللی». فقه جزای تطبیقی. دوره ۱. ش ۳. ص ۱۲۳-۱۳۵.

۱۸. ربانی‌کیا، رسول. (۱۴۰۲ ه.ش). «محرابه (افساد فی الارض) در فقه شیعه، حقوق ایران و مذاهب اسلامی». پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. دوره ۱. ش ۱. ص ۲۵۷ - ۲۸۲.
 ۱۹. رورده، حلیمه؛ محمد محسنی دهکلانی؛ و محمد روحانی مقدم. (۱۳۹۸ ه.ش). «نسبت میان جرم‌انگاری در عنوان محاربه و افساد فی الارض با حقوق بشر». حقوق پزشکی. دوره ۱۳. ش ۴۸. ص ۱۵۳-۱۶۹.
 ۲۰. رهبرپور، محمدرضا؛ و حسین نورمحمدی. (۱۳۹۷ ه.ش). «چالش‌های حقوقی - قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». پژوهش حقوق کیفری. دوره ۶. ش ۲۲. ص ۲۰۵-۲۳۲.
 ۲۱. کاظمی، جواد. (۱۳۶۵ ه.ش). مسالک الافهام الی آیات الاحکام. تصحیح: محمدباقر بهبودی. ج ۲. تهران: المکتبه المرتضویه.
 ۲۲. کلانتری، کیومرث؛ جعفر صادق منش؛ و رحیم رحیمی میلانی. (۱۴۰۰ ه.ش). «معیارهای تعمیم مجازات محاربه در افعال جنایی نیروهای مسلح». فقه مقارن. دوره ۹. ش ۱۷. ص ۶۹-۹۳.
 ۲۳. مؤمن، محمد. (۱۴۱۵ ه.ش). کلمات سدیدة. ج ۱. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
 ۲۴. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۸ ه.ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تحقیق: عباس قوچانی. ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۵. نوریان، مهدی؛ سیف‌الله احدی؛ و علی محمدیان. (۱۴۰۲ ه.ش). «بررسی ماهیت بغی و محاربه؛ از توافقات تا تفاوت در اندیشه‌های فقهی مذاهب پنج‌گانه اسلامی». پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی. دوره ۱۰. ش ۲۰. ص ۴۸۹-۵۳۶.
 ۲۶. هاشمی، سیدحسین. (۱۳۹۰ ه.ش). تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی. ج ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۲۷. هاشمی‌شاهرودی، محمود. (۱۳۷۸ ه.ش). بایسته‌های فقه جزا. ج ۱. تهران: میزان.
 ۲۸. هاشمی، سیدحسین. (۱۳۹۵ ه.ش). «نقد فقهی - حقوقی استقلال جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲». حقوق تطبیقی. دوره ۳. ش ۲. ص ۱۲۳-۱۴۶.
- Merari, Ariel (1999) "Terrorism as a Strategy of Struggle: Past and Future", The Future of Terrorism, Vol. 11, Issue. 4.
- John-Hopkins, Michael (2017), Extrapolation of Criminal Law Modes of Liability to Target Analysis under International Humanitarian Law: Developing the Framework for Understanding Direct Participation in Hostilities and Membership in Organized Armed Groups in Non-International Armed Conflict Get Access Arrow, Journal of Conflict and Security Law, Volume 22, Issue 2, Summer.
- Paletz, David L. and Alex P. Schmid (1992), Terrorism and the Media, Sage Publications.
- Schmid, Alex P (2023), Defining Terrorism, International Centre for Counter- Terrorism (ICCT), <https://icct.nl/publication/defining-terrorism>